



مؤسسه مطالعات اسماعیلی

سخنرانی در مراسم فارغ التحصیلی در بیست و پنجمین سالگرد مؤسسه مطالعات اسماعیلی

حضرت والا آقاخان

۱۹ اکتبر ۲۰۰۳

هتل له مریدین گروئر هاوس

بسم الله الرحمن الرحيم

میهمانان عالیقدر

اعضای هیأت علمی و دانشجویان مؤسسه مطالعات اسماعیلی

خانم‌ها و آقایان،

مایه‌ی خشنودی عمیق من است که امروز در این مراسم فارغ التحصیلی برنامه‌ی مطالعات اسلامی و علوم انسانی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی حاضر باشم. من حقیقتاً در شادمانی و غرور همه افرادی که با این برنامه نسبتی دارند، و مخصوصاً فارغ التحصیلان، با شما سهیم هستم. بسیاری از شما، با داشتن صلاحیت‌های قبلی، این توانایی را دارید که مسیرهای مختلفی را در زندگی دنبال کنید، اما با پیوستن به این برنامه، تصمیم گرفته‌اید که مطالعه‌ی مدون و سیستماتیک را درباره‌ی میراث خویش آغاز کنید. امیدوارم احساس کنید که این انتخاب به عبث و بیهوده نبوده است و آنچه که آموخته‌اید مصدر انگیزه و رضایت در زندگی‌تان باشد، حال هر مسیر حرفه‌ای را که می‌خواهید در زندگی‌تان دنبال بکنید. مطالعاتی که اختیار کرده‌اید و خود را وقف آن ساخته‌اید، به اعتقاد من شما را قادر خواهد ساخت تا در یاری رساندن به پرداختن به موضوعاتی که در جوامع مسلمان معاصر موضوعیت دارند، نقشی ایفا کنید.

استفاده از مطالب منتشر شده در وبسایت مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی به منزله‌ی پذیرش «شرایط استفاده»ی مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی است. هر نسخه از این مقاله باید شامل تذکره‌ی کپی‌رایت باشد که روی صفحه‌ی نمایش یا نسخه‌ی چاپی هر نوع ارسالی از آن نشان داده می‌شود. برای تمامی آثار چاپ شده، بهترین کار این است که برای استفاده (مجدد) از اطلاعات، هم از نویسندگان و هم از ناشران اصلی کسب اجازه شود و همیشه حق نویسندگان و منبع اطلاعات ذکر شود.



امروزه جهان اسلام میراث‌دارِ دین و فرهنگی است که در میان تمدن‌های برجسته‌ی جهان جایگاهی دارد. وحی‌ای که به حضرت محمد (ص) نازل شد افق‌های جدیدی را گشود و انرژی‌های نوینی را در ذهن و جان آزاد ساخت. این وحی نیروی پیوند دهنده‌ای شد که مسلمانان را علی‌رغم پراکندگی در سرزمین‌های دورافتاده‌ای که در آنها می‌زیستند، و با وجود زبان‌ها و لهجه‌های مختلفی که بدانها تکلم می‌کردند، و توده‌ی بزرگِ سنت‌های علمی، هنری، دینی و فرهنگی که به کار پدید آوردنِ یک خصیصه و روحیه‌ی مشخص رفتند، در کنار هم نگاه داشته است. این پیام هنوز هم در جهان اسلام امروز توانمند و زاینده است، اگر چه گاهی ابرِ تحریف و اعوجاجاتِ علایقِ سیاسی یا نزاع‌های قدرت‌طلبانه بر اندیشه و قلوب مردم سایه می‌افکند. تلاش‌هایی می‌شود که اموری را که می‌باید سیال، مترقی، مفتوح، آکنده از خرد و عقلانیت، و سنت‌های فکریِ منبعث از معنویت باشند، تبدیل به مواضع صلب، جزمی، یکپارچه، مطلق‌اندیش و واپسگرا کنند. با این وجود فراوان هستند کسانی در سراسر جهان اسلام امروز که دغدغه‌ی تاریخ و میراثِ خود را دارند و با اشتیاق نسبت به شرایطِ شدیداً تغییر یافته‌ی جهان مدرن حساسیت دارند. آنها بر این باورند که این نظر که یک جدایی درونی و دایمی میان میراثِ ایشان و جهان امروز هست، نظری است که عمیقاً خطاست؛ و این سخن را می‌گوید که انتخابِ میان هویتِ اسلامی از یک سو و از سوی دیگر مشارکت و مساهمت کامل در نظم جهانی امروز حقیقتاً انتخابی خطاست. آنها جویای روش‌هایی هستند که با آنها جوامع ایشان بتوانند از ثمراتِ عقلانی و مادی مدرنیته بهره‌مند شوند و در عین حال به میراثِ ممتازِ اخلاقی، معنوی و فرهنگی خود وفادار بمانند.

با این وجود این امر برای هر جامعه‌ی بشری که دغدغه و شناختِ وفق دادنِ تاریخِ میراثش را با شرایطِ معاصر داشته باشد، موضوعی ساده نیست. سنت‌ها در یک بستر تطور می‌یابند و آن بستر همواره تغییر می‌کند و بدین سان محتاج فهمی جدید از اصول اساسی است. برای ما مسلمین، این یکی از چالش‌های عظیمِ پیشِ روی ماست. میراثِ اسلامی با کدامین صدا یا صداها می‌تواند با طراوت و تازگی با ما سخن بگوید – صدایی وفادار به تجربه‌ی تاریخی جهان اسلام و در عین حال، متناسب با جهان امروز که از لحاظ فنی پیشرفته است اما از منظر اخلاقی متزلزل و مُردَد؟

یکی از چالش‌هایی که سال‌ها مایه‌ی دغدغه‌ی من بوده است و آن را با اندیشمندانِ برجسته‌ی مسلمان به بحث



نشسته‌ام، این است که چگونه آموزش برای مسلمین می‌تواند آن توانمندی‌های گوه‌ری را احیا کند که زمانی جوامع مسلمان را در اوج تمدن‌شان مجهز می‌کرد تا در زمینه‌های متنوع تلاش بشری درخشش داشته باشند.

روشن است که تحول عقلانی امت اسلام، هدفی محوری هست و باید باشد که اگر می‌خواهیم جهان اسلام جایگاه به حق خود را در تمدن جهانی دوباره به دست آورد، بایستی در پی آن باشیم. امروزه، هر ناظری که آگاهی معقولی داشته باشد، از تفرقه‌ی عمیق اخوت اسلامی حیرت خواهد کرد. در طرف مقابل این شکاف، طایفه‌ی بسیار ثروتمند و گروه بسیار فقیر وجود دارند؛ شیعه و سنی هستند؛ دولت‌های تئوکراتیک و دولت‌های سکولار وجود دارند، و جست‌وجوی هنجاری ساختن و یکپارچه کردن در برابر اذعان به پلورالیسم وجود دارد؛ کسانی هستند که در پی این می‌باشند که صورت‌های مدرن و مشارکتی حکومت را اختیار کنند در برابر کسانی که می‌خواهند بار دیگر صورت‌های ظاهراً باستانی حکومت را تحمیل کنند. آنچه باید برادری می‌بود اکنون رقابت شده است، سخاوت جای خود را به حرص و جاه‌طلبی داده است، حق اندیشیدن را دشمن ایمان واقعی می‌شمارند، و هر چه که می‌توانیم امید بدان داشته باشیم تا مرزهای دانش بشری را از طریق پژوهش گسترش دهد، برای بیشترین جهان اسلام محکوم به شکست است، نه ساختارها و نه منابعی وجود دارند که رهبری معنادار عقلانی را توسعه دهند.

امیدوارم مرا ببخشید که چنین تصویر تاریکی را از جایگاه امت اسلام در جهان امروز برای شما ترسیم می‌کنم، اما اگر شهامت رویارویی با واقعیت تلخ را نداشته باشیم، هیچ راهی وجود نخواهد داشت که بتوانیم برای آینده‌ای بهتر تلاشی واقع‌گرایانه و عملی داشته باشیم.

چندین روز پیش، در جلسه‌ی سازمان کنفرانس اسلامی در مالزی، این نکته مطرح شد که تنها راهی که امت اسلام می‌تواند برای برون رفت از این وضعیت اسفناک امروزی بیابد این است که خرد را مهار کند. من عمیقاً با این اعتقاد هم‌رأی هستم، اما بلافاصله سه سؤال مطرح می‌شوند: ما چگونه از توسعه‌ی عقلانی در امت اسلام حمایت می‌کنیم؟ در چه عرصه‌هایی از دانش بشری باید راهبر باشیم؟ و منابع آموزش خود را از کجا بگیریم؟

در راستای چنین تلاشی برای پاسخ‌گویی به این سؤالات حساس در زمینه‌ی آموزش است که امامت اسماعیلی برنامه‌های چندی را آغاز کرده است.



دانشگاه آقاخان در سال ۱۹۸۳ در پاکستان تأسیس گردید و امروزه شعاع فعالیت‌های آکادمیک آن تا کنیا، تانزانیا، اوگاندا و بریتانیا رسیده است. در سال ۲۰۰۱، یک عهدنامه‌ی بین‌المللی میان امامت اسماعیلی و جمهوری قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان منجر به تأسیس دانشگاه آسیای مرکزی شد که تلاش می‌کند نخبگان تمامی منطقه‌ی کوهستانی آسیای مرکزی را با شعباتی در این کشورها تحت پوشش خود بگیرد. این دانشگاه موضوعات مربوط به توسعه را که خاص جوامع کوهستان‌های بلند است مطالعه خواهد کرد، و در عین حال رشته‌هایی را در علوم انسانی برای ترویج حرمت نهادن به کثرت‌گرایی فرهنگی و تقویت بنیان‌های جامعه‌ی مدنی ارائه می‌کند.

سال گذشته، تصمیم گرفتم که شبکه‌ای از مدارس عالی را در خاور میانه، مناطق پایین صحرای آفریقا، آسیای مرکزی و جنوب شرق آسیا، با هدف آموزش دادن به مردان و زنان جوان تا عالی‌ترین سطوح بین‌المللی از مرحله‌ی ابتدایی تا آموزش متوسطه، راه‌اندازی کنم. امید من این است که در وقت مقتضی، این مدارس در کنیا، تانزانیا، اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو، موزامبیک، ماداگاسکار، هند، پاکستان و بنگلادش، افغانستان، تاجیکستان و قرقیزستان، سوریه و در وقت مناسب در مالی نیز راه‌اندازی شوند. دانش‌آموزان و مربیان تشویق خواهند شد که از طریق این سیستم مدرسه‌ای که البته باید اقامتی باشد، حرکت کنند تا فارغ‌التحصیلان در معرض محیط‌های مختلف اجتماعی، قومی و دینی قرار گرفته، دو زبانه و شاید سه زبانه شوند و برای رهبری در زمینه‌های حرفه‌ای در جوامعی که می‌خواهند مستقر شوند مجهز باشند، حال چه به بهترین دانشگاه‌های کشور خودشان یا بهترین دانشگاه‌های غربی رفته باشند یا نه. زمینه‌های تخصص دانش‌آموزان در عرصه‌هایی از دانش خواهد بود که بیش از همه به کار توسعه‌ی جوامع، وطن و مناطق ایشان می‌آید اما زیربنایی قوی نیز در علوم انسانی و مخصوصاً فرهنگ‌های جهان اسلام خواهند داشت. این دانش‌آموزان کاملاً در استفاده از فناوری‌های اطلاع‌رسانی تبحر خواهند داشت و بدین سان در هر کجا که باشند دسترسی آسان و سریع به پیچیده‌ترین منابع دانش جهان در هر جایی خواهند داشت. عقاید، اعمال، اخلاق و هنجارهایی اجتماعی فارغ‌التحصیلان از آن جوامع و فرهنگ‌های خودشان خواهد بود و نظام‌های ارزشی ایشان ریشه در تاریخ خودشان و هنر خودشان خواهد داشت.

با ترقی این مردان و زنان جوان و گام نهادن ایشان به مناصب رهبری در جوامع خودشان، منجمله در مقام تدریس نسل آینده از طریق مدارس و دانشگاه‌ها، امید من این است که این نسل جدید نخبگان ما خواهند بود که با تکیه بر دانش و انگیزه‌های خودشان، جوامع خود را تغییر خواهند داد و به تدریج جایگزین بسیاری از نیروهای خارجی



خواهند شد که امروز ظاهراً می‌خواهند، و واقعاً در برخی موارد جویای این هستند، که سرنوشت ما را به دست بگیرند. این مردان و زنان جوان رهبرانی در مؤسسات و نهادهای جامعه‌ی مدنی در کشورهای خود، در سازمان‌های بین‌المللی، و در تمامی مؤسسات آکادمیک، اقتصادی و غیره خواهند شد که مایه‌ی تغییر مثبت در جهان ما خواهند بود.

با رشد روزافزون چند فرهنگی ملت‌هایی بیشتر در برابر وجوه یکپارچه یا صلب، و با شتاب یافتن روند جهانی‌شدن، مربیان با این چالش روبرو می‌شوند که فهمی آگاهانه از تاریخ و فرهنگ اقلیت‌هایی که در میان ایشان بومی شده‌اند، در کنار شناختی از تاریخ و فرهنگ تمدن‌های بزرگ دیگر ماورای مرزهای‌شان، به جمعیت عمده‌ی جامعه‌ی خود بدهند.

در این زمینه باید گفته شود که بیشتر کشورهای غربی به طرز بُهت‌آوری در مواجهه با این چالش کُند بوده‌اند، حداقل تا جایی که به اسلام مربوط است. رسانه‌ها و صاحب‌نظران مایل‌اند که اگر به کلیشه‌ها و سخنان مبتذل دست نیازند، نشان بدهند که دانشی دقیق یا اذعان به سنت‌های جهان اسلام ندارند. برنامه‌های درسی در علوم انسانی و اجتماعی اغلب به گونه‌ای تدوین می‌شوند که گویی اسلام اصلاً وجود ندارد یا دین و فرهنگ بخش عظیمی از بشریت نیست. در نتیجه، حتی یک آشنایی مبهم با جهان اسلام تقریباً به طور کامل از صحنه‌ی دانش عمومی جامعه‌ی غربی غایب است. دروس رشته‌های لیسانس در دانشگاه‌ها، هنگام توصیف و ارزیابی دستیافت‌های عمده در هنر، علوم، فلسفه، دین و اخلاق، تقریباً به طور انحصاری به چهره‌هایی در تاریخ اروپا یا آمریکا اشاره می‌کنند. در واقع، مطالعات اسلامی اکثراً به اقلیت خُرد و اغلب گمنام متخصصین آکادمیک در دانشگاه‌های غرب تقلیل داده شده است.

در تلاش برای پرداختن به این دغدغه‌ها، شبکه‌ی توسعه‌ی آفاخان با چند دانشگاه برجسته آمریکای شمالی و مقامات آموزشی دولتی ایشان در جهت ایجاد و اجرای برنامه‌های درسی مناسب در زمینه‌ی اسلام همکاری نزدیکی دارد. در یک برنامه‌ی مربوط، و اگر چه متمایز، امامت اسماعیلی فعلاً در کار تأسیس یک موزه در تورنتو است که منبعی مهم برای نشر اطلاعات و آموزش درباره‌ی میراث وسیع و متنوع اسلام و ارتباط آن با فرهنگ‌های زیادی است که در میان آنها بالیده است.



این برنامه و برنامه‌های دیگر، از جمله مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی، استمراری از سنت تاریخی اسماعیلیان برای ترویج دانش و کسب علم است که در راستای آرمان‌های بزرگ اسلام می‌باشد.

به فارغ‌التحصیلان گذشته و حال، گرم‌ترین تبریکات خود را به مناسبت این روز ابراز می‌کنم. همچنین برای شما در هر حرفه‌ای که اکنون اختیار می‌کنید آرزوهای خیر دارم. در میان گزینه‌هایی که می‌توانید در نظر داشته باشید، مثلاً، تدریس در دانشگاه آقاخان است، مخصوصاً در کالج هنر و علوم، در دانشگاه آسیای مرکزی که ان‌شاءالله در سال ۲۰۰۷ درهایش گشوده خواهند شد، یا در مراکز عالی، که خدمات آموزشی آقاخان اکنون در حال راه‌اندازی آن‌هاست. همچنین ممکن است علاقه‌مند به برنامه‌ی بزرگ تربیت معلم باشید که مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی در شرف راه‌اندازی آن در قالب برنامه‌ی درسی سطح متوسطه می‌باشد که برای جماعت تدوین شده است.

امید و دعای من این است که علم و دانشی که فراگرفته‌اید شما را قادر سازد تا در جوامع و کشورهای خود و حتی فراتر از اینها در مقام رهبری قرار بگیرید. من معتقدم که ارتباط و گفت‌وگوی مستمر شما با مؤسسه نقش شما را به عنوان عاملان بالقوه‌ی تغییر تقویت خواهد کرد و در عین حال بهره‌ها و دستاوردهای تجارب و بینش‌های‌تان را در اختیار مؤسسه خواهید گذاشت. این مشارکت تضمین‌کننده‌ی جای درست شما در سهم شدن در توسعه و رشد نسل‌های آینده‌ی نخبگان ما خواهد بود تا بتوانیم ظرفیت خود را برای تعیین سرنوشت خود افزایش دهیم.

متشکرم.